



# ثروتی ملی، بی متولی!

علیرضا حیدری



از میان این همه ثروت ملی که خداوند به این بوم و بر عطا کرده است یکی هم همین شعر است و ادبیاتی که قرن ها سند و شناسنامه ما بوده و هست. حتی امروز نام مولاناها و حافظ ها و سعدی ها هنوز برای آن ور آبی ها آشناست و ایران را بی شعر و شاعری نمی شناسند. شعر از روز گاران دیرین نقطه قوت فرهنگ ما بوده است و تکیه گاهی برای هویت. هنر های دیگر هم چه آن هایی که دیرنگی داشته اند و چه آن هایی که فرآورده های دنیای مدرن اند نه تنها به ادبیات بی نیاز نبوده اند که وابستگی تام به آن دارند و گاه پیشرفت خود را مدیون آنند. با این حال در دنیای جدید که همه چیز در ساختار حکومتی و دولت ها صاحب جایگاه و تعریف مشخصی هستند عرصه هنر و ادب هم در مجموعه نظام های دولتی در زیر مجموعه فرهنگ دسته بندی می شوند. در ایران نیز در سالیان پس از انقلاب علاوه بر حوزه هنری و مراکز فرهنگی مشابه که بخش های مختلفی از حوزه های هنری و ادبی را دنبال می کنند، در شاکله دولتی هیچگاه ادبیات سهم در خور و تعریف شده ای نداشته است و

تنها در معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیم نگاهی به شعر و داستان می شده است که در قبال سینما و سایر هنر ها که هر کدام یک معاونت را سهم برده اند اصلا قابل قیاس نیست و این خود نشان از بی توجهی دولتها به ادبیات داشته است. در دولت نهم اتفاقی متفاوت افتاد و با تاسیس قائم مقامی شعر و ادب این انتظار شکل گرفت که در دولت جایگاه در خوری برای ادبیات دیده شده است پیش از این اتفاق هم جشنواره شعر فجر پا گرفته بود و بعد از سال ها که در دهه انقلاب جشنواره های ۴ گانه فیلم، موسیقی، تئاتر و هنر های تجسمی برگزار می شد جشنواره شعر فجر هم به آنها افزوده شد و امروز با توجه به صحبت های کمابیشی که دکتر صالحی معاون فرهنگی وزیر ارشاد داشته است امیدواریم حال و روز بهتری برای ادبیات شاهد باشیم.

روزی که شعر صاحب قائم مقام شد

در مراسم گشایش نخستین همایش بین المللی شاعران ایران و جهان رییس جمهور وقت خطاب به سید محمد حسینی، وزیر

فرهنگ و ارشاد اسلامی، دستور ایجاد سمت قائم مقامی شعر را داد. محمود احمدی نژاد در آن مراسم با درخواست یکی از شاعران مبنی بر ایجاد مدیر کل شعر و ادب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: اگر بخواهیم جایگاه واقعی شعر و ادب را در سازمان اداری تعریف کنیم، جایگاه شعر و ادب یک مدیر کل زیر نظر یک معاونت نیست. از همین رو به آقای حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می گویم به جای یک مدیر کل، یک قائم مقام وزیر در امور شعر و ادب فارسی انتخاب کنند. آن شاعر سید عباس سجادی بود که به نمایندگی از جامعه شاعران ایران این درخواست را مطرح کرد.

و در پی این دستور دکتر یحیی طالبیان در تیر ماه ۸۹ به سمت «قائم مقام وزیر در امور شعر و ادب» و رئیس حوزه وزارتی منصوب شد در حکم سید محمد حسینی - وزیر ارشاد وقت - آمده بود: «به گواهی آگاهی و کمالخواهی و به پشتوانه آشنایی در امر کار گشایی و روشن رایی جنابعالی و نظر به اطمینان خاطر و اعتماد وافر نسبت به توانمندی های مدیریتی، به منظور هماهنگی در ایجاد گره انسنگی حوزه وزارتی، شمارا به سمت قائم مقام وزیر در امور شعر و ادب و رئیس حوزه وزارتی منصوب می نمایم.»

همچنین در این حکم آمده بود: «فرهنگ و هنر که حاصل عقل و ذوق است با مر دانی از این تبار، اعتبار می یابد رفتار لطیف و گفتار ظریف با تر کیب صلابت و عطوفت و شدت و رافت، اقتدار و زنهار و غمض و استیصار، همدستان است. کرامت این ساحت با سلامت نگاه شما همراه است و مسیر، به میانبر حسن سلوک، کوتاه.» (ناگفته نماند که این ادبیات تقریر یا در بیشتر نامه ها و پیام های حسینی وزیر ارشاد وقت به چشم می خورد و گاه چنان به افراط می غلتید که فهمش برای مخاطب هم دشوار می شد.

از جمله سوابق دکتر یحیی طالبیان می توان به استاد پایه ۲۸ دانشگاه شهید باهنر در سمت رئیس دانشگاه، مشاور ارشد وزیر و مدیر کل دفتر وزارتی وزارت علوم، معاون پشتیبانی وزیر علوم، معاون توسعه و مدیریت منابع وزارت علوم، عضویت در شوراهای هیئت امنای دانشگاه، هیئت ممیزه دانشگاه، شورای نشر و چاپ، شورای فرهنگ عمومی، عضو هیئت منصفه مطبوعات، مدیر مسئول و سردبیر نشریه دانشگاه کرمان و عضو هیئت تحریریه چند نشریه دیگر اشاره کرد. اگر چه وی پژوهشهایی در حوزه ادبیات هم داشته است اما چندان با استقبال اهالی شعر و به رو نشد و همه انتظار داشتند فرد نام آشناتری بر این مسند بنشیند.

شاعران و قائم مقامی با هزار اما و اگر

\* یک پیشنهاد یک تصمیم

این درخواست سجادی البته در خواست شخص او نبود و بسیاری از شاعران بارها به این بی سرو سامانی حوزه شعر و ادب در ساختار دولتی معترض بودند. صاحب این قلم هم بارها در سالهای پیش از آن در روز نامه خراسان به این نکته تاکید کرده بود. دانستن دلایل سجادی برای این پیشنهاد جالب است او در گفت و گو با فارس گفته بود: من احساس کردم در چنین جلسه ای با حضور مسئولین عالی رتبه کشور و پنجاه شاعر مهمان از سراسر جهان و شاعران سرشناس ایرانی فرصت مغتنمی پیش آمده است، که به عنوان عضو کوچکی از جامعه ادبی و به نمایندگی از جامعه شاعران ایران بر ضرورت این مهم تاکید کنم و چنین درخواستی را از عالیتترین مقام اجرایی کشور طرح نمایم. این ترانه سر افروز: من به آقای رییس جمهور گفتم شعر شناسنامه ملی و جهانی ماست، ما بیست و چندمین جشنواره بین المللی فیلم فجر را در سال گذشته برگزار کردیم در حالی که چهارمین جشنواره شعر برگزار شد و آن هم سال اول تحت مدیریت و نظارت دفتر موسیقی ارشاد و امسال هم تحت مدیریت و نظارت یکی از ادارات کل معاونت فرهنگی. هنر - صنعت ارجمند سینما حدود یکصد سال است که میهمان کشور ماست و در وزارت ارشاد دارای یک معاونت مستقل است در حالی که شعر این جان مایه فرهنگ ایرانی باید طفیلی دفتر موسیقی ارشاد باشد؟ آیا شما این تحقیر را می پذیرید؟ به عنوان کوچکترین عضو جامعه ادبی در حضور نمایندگان شاخص جامعه فرهنگی و ادبی از جنابعالی می خواهم دستور فرمایید